

نام خانوادگی	مطالب فارسی	تهیه تنظیم : سارا جلالی
	<p>مهمترین آرایه های ادبی در ادبیات فارسی عبارتند از: تشبیه . استعاره . کنایه . حقیقت و مجاز . واج آرایی . سجع . موازنه و ترصیع . جناس . اشتقاق . تکرار و تصدیر . مراعات نظیر . تلمیح . تضمین . تضاد . تناقض . حس آمیزی . ایهام . لف و نشر . اغراق</p> <p>تعدادی شرح داده شده:</p> <p>۱- ردیف : کلمه یا کلمات تکراری که در پایان ابیات به معنای یکسان به کار می روند ، ردیف می گویند. آوردن ردیف در شعر اختیاری است . شعری که دارای ردیف باشد ، به آن مُردّف گفته می شود. مثال:</p> <p>ای ساربان آهسته ران ، کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم ، با دلستانم می رود</p> <p>۲- قافیه : به واژه هایی که در پایان مصراع ها می آید و یک یا چند حرف آخر آن ها مشترک می باشد. در بیتی که ردیف وجود داشته باشد ، کلمات قافیه قبل از آن می آیند و در بیتی که ردیف نداشته باشد کلمات قافیه در پایان بیت می آیند. آوردن قافیه در ابیات شعر اجباری است.</p> <p>مثال: سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند دل من همی داد گفتمی گواویی که باشد مرا از تو روزی جدایی</p>	
		<p>- تشبیه : تشبیه ادعای همسانی است . اگر دو یا چند پدیده را که به نوعی ویژگی ها و صفات مشترکی داشته باشند به همدیگر مانند کنیم ، از آرایه ی تشبیه استفاده کرده ایم . تشبیه یکی از پر کاربردترین آرایه های ادبی می باشد.</p> <p>هر تشبیه از چهار رکن تشکیل می یابد. ارکان تشبیه عبارتند از :</p> <p>مشبّه : چیزی ادعای تشبیه در آن می شود ، یعنی کلمه ای را که می خواهیم مورد تشبیه قرار دهیم.</p> <p>مشبّه به: کلمه ای است که مشبه را به آن تشبیه می کنیم . و از نظر داشتن صفات از مشبه برتر است.</p> <p>ادات تشبیه: کلماتی که به وسیله آن ها به وجود تشبیه در جمله پی می بریم . از قبیل: مثل ، مانند، چو، شبیه، و ...</p> <p>وجه شبه : صفات و ویژگی های مشترک بین مشبه و مشبه به را می گویند.</p> <p>نکته : مشبه و مشبه به را طرفین تشبیه می گویند که باید در تمام تشبیه ها حضور داشته باشند ، اما ادات تشبیه و وجه شبه می توانند از تشبیه حذف شوند.</p>

<p>مثال : دانا چو طبله ی عطار است ، خاموش و هنر نمای</p> <p>دانا (مشبهه) طبله ی عطار (مشبه به) چو (ادات تشبیه) خاموش و هنر نمای (وجه شبهه)</p>	
<p>مراعات نظیر (تناسب)</p> <p>اگر گوینده در کلام خویش مجموعه ای از کلمات را بیاورد که به نوعی با هم تناسب و ارتباط داشته باشند ، آن را مراعات نظیر گویند .</p> <p>نکته : تناسب میان کلمات می تواند از نظر جنس ، نوع ، مکان ، زمان ، همراهی و ... باشد .</p> <p>نکته : بیشترین کاربرد مراعات نظیر در شعر است اما گاهی در نثر هم دیده می شود</p> <p>مثال : رَوَد شاخ گل در بر نیلوفر برقصد به صد ناز، گلنار ها (شاخ ، گل ، نیلوفر و گلنار — مراعات نظیر)</p> <p>نکته : آرایه های مراعات نظیر ممکن است بین دو کلمه یا بیشتر اتفاق بیفتد .</p>	
<p>تضاد (طباق)</p> <p>آوردن دو کلمه ی متضاد در سخن به گونه ای که سبب زیبایی کلام گردد .</p> <p>نکته : تضاد هم در شعر و هم در نثر بکار می رود .</p> <p>صبح ۱ امید که بُد معتکف پرده ی غیب گو برون ۲ آی که کار شب ۱ تار آخر شد (صبح و شب) (غیب و برون)</p> <p>نکته : فعل ها نیز می توانند آرایه تضاد را به وجود آورند .</p> <p>مثال : پروردگارا! از خصلت طمع که دنائت آورد و آبرو ببرد</p>	
<p>تلمیح</p> <p>آن است که گویند در ضمن کلام خویش به آیه ، حدیث ، داستان ، واقعه ی تاریخی ، اسطوری و افسانه ای اشاره داشته باشد .</p> <p>مثال : آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه ی فال به نام من دیوانه زدن</p> <p>توضیح : اشاره به آیه ی « انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض »</p>	
<p>تضمین</p> <p>آن است که شاعر یا نویسنده در میان کلام (شعر یا نثر) خود آیه ، حدیث ، مصراع یا بیتی را از شاعر دیگر عیناً</p>	

بیاورد .

نکته : اگر بیت یا مصرعی از شاعر دیگر به عنوان تضمین بیاورد معمولاً نام آن شاعر به گونه ای ذکر می شود .

نکته : معمولاً عبارت تضمین شده داخل گیومه قرار می گیرد .

هدف از تضمین :

۱- اعتبار بخشیدن به سخن ۲- خلاصه کردن مفاهیم گسترده و طولانی ۳- ضمانت برای اثبات ادعا

مثال : چه زخم چو نای هر دم ز نوای ساز او دم که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

« همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد این نوا را »

توضیح : بیت دوم این شعر را شهریار از حافظ تضمین کرده است .

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد

« میازار موری که دانه کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است »

که در ابن جاسعدی بیتی از «فردوسی» را تضمین کرده است.

اغراق - مبالغه

آن است که در وصف و ستایش یا ذم و نکوهش کسی یا چیزی افراط و زیاده روی کنند ، چندان که از حد عادت و معمول بگذرد .

نکته ۱ : اغراق هم در شعر و هم در نثر کاربرد دارد .

نکته ۲ : اغراق مناسب ترین آرایه برای تصویر کشیدن یک دنیای حماسی است .

نکته ۳ : زیبایی اغراق در این است که غیر ممکن را طوری ادا می کند که ممکن و درست به نظر می رسد .

مثال : شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

ایهام

ایهام در لغت به معنای درشک و گمان افکندن است اما در اصطلاح علم بدیع ، آوردن واژه ای است با حداقل دو معنی مناسب کلام یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد و معمولاً مقصود شاعر معنی دور آن است و گاهی نیز هر دو معنی مورد نظر می باشد .

نکته ۱ : ایهام نوعی بازی با ذهن است به گونه ای که ذهن را بر سر دوراهی قرار می دهد .

<p>نکته ۲: انتخاب یکی از دو معنی ایهام در یک لحظه بر ذهن دشوار است و این امر باعث لذت بیشتر خواننده می شود .</p> <p>نکته ۳: شرط شناخت ایهام در آن است که خواننده معانی مختلف یک واژه را بداند .</p> <p>حکایت لب شیرین کلام فرهاد است شکنج طره ی لیلی مقام مجنون است</p> <p>توضیح: واژه « شیرین » دو معنی دارد: ۱- خوشمزه و گوارا ۲- نام دختر مورد علاقه فرهاد</p>	
<p>تمثیل</p> <p>آن است که شاعر یا نویسنده به تناسب سخن خویش ، حکایت ، داستان یا نمونه و مثالی را ذکر می کند تا از این طریق ، مفاهیم و نظریات خود را به خواننده یا شنونده منتقل نماید و آنچه در این میان مهم است نتیجه ی تمثیل می باشد که می تواند سرمشقی برای موارد متفاوت باشد .</p> <p>نکته: در این داستان ها و حکایات (تمثیل ها) هر یک از حیوانات یا اشیا و جمادات نماد و نشانه ی چیزی هستند .</p> <p>مثلاً در درس عبرت از کتاب سال اول شیر نماد حق و قدرت مطلق ، گرگ نماد انسان های خود بین و گستاخ و روباه نماد انسان های عبرت پذیر و تسلیم شده می باشند .</p>	
<p>کنایه</p> <p>کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی دور و نزدیک است . که معنی نزدیک آن مورد نظر نیست اما گوینده جمله را چنان ترکیب می کند و به کار می برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل می شود.</p> <p>نکته: در کنایه الفاظ همه حقیقی اند اما مقصود گوینده معنای حقیقی و ظاهری آن نیست.</p> <p>نکته: کنایه معمولا در یک جمله یا یک ترکیب به کار می رود .</p> <p>مثال ۱: هنوز از دهن بوی شیر آیدش.</p> <p>توضیح: کنایه از این که هنوز بچه است و بارز ترین نشانه ی بچگی همان شیر خوردن است .</p> <p>مثال ۲: که رهام را جام باده است جفت.</p> <p>توضیح: کنایه از این که رهام عیاش و خوشگذران است و مرد جنگ نیست.</p> <p>مثال ۳: نباید زدن سنگ را بر سبوی.</p> <p>توضیح: سنگ را بر سبوی زدن کنایه از آزمایش و امتحان کردن است.</p>	

<p>سجع: هر گاه دو واژه از نظر واج یا واج های پایانی یکسان باشند ، سجع گویند. آرایه ی سجع در کلامی دیده می شود که حداقل دو جمله باشد . این آرایه مربوط به نثر می باشد و چنین نثری را نثر مسجع می نامند. به عبارتی دیگر کلمات هم قافیه را در نثر سجع می گوئیم . مثال :</p> <p>آن چه نباید ، دل بستگی را نشاید.</p> <p>الهی! اگر بهشت چون چشم و چراغ است ، بی دیدار تو درد و داغ است .</p> <p>توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال.</p> <p>هر نفسی که فرو می رود مُمد حیات است و چون بر می آید مُفرح ذات.</p>	
<p>عباراتی نظیر : دست و پا کردن ، روی کسی را به زمین انداختن ، شکم را صابون زدن ، بند از بند گشودن ، زبان در کشیدن ، عنان گران کردن ، دهان دوختن ، پای در دامن آوردن ، سر زخاک بر آوردن ، دست ندادن ، دست به سیاه و سفید نزدن ، دست روی دست گذاشتن و ... همه کنایه هستند</p>	
<p style="text-align: center;">تناقض (پارادوکس)</p> <p>اگر دو مفهوم متضاد را به هم نسبت دهیم یا آن دو را با هم جمع کنیم، آرایه ی تناقض شکل می گیرد. آشتی دادن دو متناقض را پارادوکس (متناقض نما) گویند.</p> <p>نمونه :</p> <p>" جیب هایم پر از خالی است " که برای عمق بخشیدن به سخن، دو صفت متضاد «پر» و «خالی» را با هم به کار برده ایم.</p> <p>حاضر غایب، فریادسکوت و گشنه پلو نمونه های دیگری از آرایه ی متناقض است.</p> <p>نمونه ها ی بیش تر:</p> <ul style="list-style-type: none"> - از تهی سرشار، جویبار لحظه ها جاری است. (اخوان ثالث) تهی و سرشار دو صفت متضاد است. - دولت فقر خدایا به من ارزانی دار / کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است (حافظ) <p>دولت یعنی خوشبختی و ثروت، که متضاد فقر است.</p>	
<p style="text-align: right;">شخصیت بخشی</p> <p>هرگاه با نسبت دادن عمل، حالت و یا صفت انسانی به یک پدیده (غیرانسانی) به آن جلوه ای انسانی ببخشیم، آرایه ی تشخیص پدید می آید.</p> <p>دست در دامن مولا زد در / که علی بگذر و از ما نگذر</p>	

غنچه با دل گرفته گفت : زندگی ، لب زخنده بستن است

عکس (قلب) :

هرگاه در یک بیت یا عبارت، میان دو مورد پیوندی برقرارکنیم و سپس در بخش دیگری جای آن دو را با هم عوض کنیم

و یا هرگاه نویسنده با جا به جا کردن اجزای ترکیب های وصفی و اضافی، ترکیب های تازه پدید آورد.

نمونه:

- حافظ مظهر روح اعتدال و اعتدال روح اقوام ایرانی است .

- برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی